

الگوی شناور در ساخت جمله‌های مرکب با توجه به کاربرد زمان افعال

محمود مهرآوران*

چکیده

جمله و ساختار آن، مفصل‌ترین، پربحث‌ترین و جذاب‌ترین موضوع نحوی در دستور زبان است. از نظر ساختار، جمله یا ساده است یا مرکب. درباره جمله ساده چندان اختلاف و پیچیدگی وجود ندارد اما در بررسی جمله مرکب، هم کمتر تحقیق شده و هم جای بحث و اختلاف بیشتری وجود دارد؛ زیرا در برخی از دستورها بدون دقت در معیار ترکیب، همه جمله‌هایی را که با حروف ربط به هم وصل و عطف شده‌اند، جمله مرکب شمرده‌اند. در این پژوهش با بررسی دقیق جمله‌هایی که مرکب شمرده شده‌اند و بیان معیارهای جمله مرکب، به اشتباه برخی از دستورها اشاره شده و برای اولین بار در پژوهشی مفصل الگوهای ساختاری جمله‌های مرکب با توجه به کاربرد زمان افعال معرفی گردیده است. سؤال اصلی در این تحقیق این است که چه نوع جمله‌ای را می‌توانیم مرکب بشماریم و الگوی ساختاری آن چگونه است؟ در کنار پاسخ به این پرسش به چگونگی تعریف آن در دیدگاه‌های زبان‌شناسی و دستورهای فارسی و برخی ویژگی‌های جمله مرکب پرداخته‌ایم. در بررسی جمله‌های امروزی زبان فارسی و برخی جمله‌های زبان متون گذشته که مانند جمله‌های امروزی هستند، ۱۹۳ الگو برای ساخت جمله مرکب، استخراج و معرفی شده است که به سبب فراوانی و تنوع الگوی ساخت و کاربرد زمان افعال این جمله‌ها، آن را شناور نامیده‌ایم. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که زبان فارسی در ساخت جمله بویژه جمله مرکب، امکانات فراوان و در نحوه بیان پیام و خبر، انعطاف، گستردگی، آزادی عمل و تنوع کم نظیری دارد.

کلیدواژه‌ها: دستور زبان، جمله، جمله مرکب، الگوی شناور، ساختار، حروف ربط

مقدمه

مهمترین مبحث نحوی در دستور زبان موضوع جمله است. جمله بزرگترین و کاملترین واحد نحوی زبان است. معمولاً ما مقصود و پیام خود را با جمله انتقال می‌دهیم و در واقع کار ارتباطی زبان با جمله صورت می‌گیرد. جمله از دیدگاه‌های گوناگون تقسیم‌بندی می‌شود: از نظر معنی، خبری و انشایی، با فعل و بی‌فعل بودن و ساختار.

از نظر ساختار، جمله یا ساده است یا مرکب. جمله ساده جمله‌ای با معنای کامل است که یک فعل دارد. باید توجه کرد که جمله، واحدی کامل و با معناست و پس از آن می‌توان درنگ کرد. پس در اینجا واحدهایی از سخن را که یک فعل دارند ولی معنای کامل ندارند و نمی‌توان پس از آن سکوت یا درنگ کرد جمله نمی‌شماریم؛ چون وابسته به جمله‌ای دیگر هستند تا تکمیل بشوند و جمله‌ای کامل را برسانند. اینها جمله واره هستند. چنین جمله‌واره‌هایی در دل جمله‌های مرکب هستند و پایه و پیرو می‌سازند. جمله مرکب گسترده‌ترین موضوع در مباحث دستوری است که به انواع آن و چگونگی ساختار متنوع آن، کمتر پرداخته شده است. با توجه به چگونگی ساخت جمله مرکب، گسترده‌ترین امکانات زبانی را در این نوع از جمله می‌بینیم. اساساً مبحث ترکیب در زبان فارسی چه در سطح واژه‌ها و ترکیبها و چه در سطح جمله‌ها بسیار فعال و نامحدود است. جمله‌های ساده در تعدادی معین و کمتر از سی الگو ساخته می‌شوند ولی جمله‌های مرکب با توجه به معنی، نوع کاربرد زمانی فعلها، نوع وجه فعلها و معیارهایی از این دست بسیار متنوع، پرکاربرد، با اهداف بلاغی گوناگون و بیان‌کننده قدرت ترکیبی زبان فارسی است. در این مقاله به بررسی جمله مرکب می‌پردازیم و در آن، دیدگاه‌های برخی از زبان‌شناسان و دستورنویسان را که بیشتر با دیدگاه‌های زبان‌شناسی به جمله مرکب پرداخته‌اند، معیارهای ترکیب، الگوی جمله‌های مرکب در زبان فارسی و سرانجام نتایج آن را ذکر می‌کنیم.

هدف و ضرورت تحقیق

در این تحقیق با بررسی و ارزیابی آراء دستوریان فارسی بویژه آنان که با دیدگاه‌های زبان‌شناسی، دستور نوشته‌اند و نقد آنها به معیارهایی برای شناخت و ساخت جمله مرکب می‌رسیم و نیز با ارائه الگوهای جمله مرکب، توانایی و امکانات فراوان و شگفت‌انگیز زبان فارسی را در جمله‌سازی نشان می‌دهیم. شناخت این واحد دستوری و نحوی و نیز برطرف کردن اشتباهی که در تقسیم‌بندی جمله مرکب در برخی از دستورها وجود دارد، همچنین گسترش دانش دستور و زبان‌شناسی و نگاه تخصصی به تک تک موضوعات دستور ضرورت تحقیق را نشان می‌دهد.

پیشینه تحقیق

درباره جمله‌های ساده بیشتر دستورنویسان بحث کرده و انواع آن را از نظر معنا و گاهی از نظر اجزای اصلی سازنده معرفی کرده‌اند. بویژه شادروان فرشیدورد در کتاب «جمله و تحوّل آن در زبان فارسی» به تفصیل در باره جمله بسیط و انواع آن بحث کرده است. اما در باره جمله مرکب، ساختمان، انواع و الگوهای آن کمتر تحقیق شده است. در کتابهای دستور خانلری، شریعت، فرشیدورد، مشکوة‌الدینی، باطنی و چند دستورآموزشی مقداری در این باره بحث شده و تعدادی اندک از جمله‌های مرکب ارائه و رابطه بین جمله پایه و پیرو و ارزش جمله‌واره پیرو بیان شده است. در این کتابها در مبحث جمله‌های شرطی وضعیت پایه و پیرو بیان شده و به دیگر مباحث و وضعیت‌های جمله مرکب اشاره‌ای نشده است. شاید بتوان بهترین و مفصلترین پژوهش را در این باره از ژیلبر لازار زبان‌شناس و ایران‌شناس فرانسوی دانست که در کتاب خود یعنی دستور زبان فارسی معاصر که در سال ۱۹۵۷ میلادی در فرانسه و به زبان فرانسوی چاپ شده، در بخش نحو و بررسی جمله‌های ساده و مرکب به تفصیل، جمله مرکب را بررسی کرده است. ایشان نیز برخی از الگوهای جمله مرکب را بیشتر از نظر معنی و با توجه به حروف ربط بررسی و معرفی کرده است. در تعدادی اندک از مقالات نیز بیشتر، استادان و صاحب نظران زبان‌شناس به این موضوع پرداخته‌اند. در این تحقیق با ارج گذاشتن به سابقه، مقام علمی و زحمت استادان و نویسندگان دستور در گذشته و حال، برای نخستین بار پژوهشی مفصل در باره جمله‌های مرکب و الگوهای ساختاری آن انجام شده که حاصل آن تقدیم می‌شود.

جمله مرکب (complex sentence)

در تعریف جمله مرکب، دستور نویسان، هم دیدگاه‌های مشترک و هم آراء متفاوت دارند؛ اما همگی بر این متفقند که جمله مرکب آن است که بیش از یک فعل دارد. علت تفاوت در تعریفها، تفاوت در معیار ترکیب است. به نظر می‌رسد که برخی از

دستور نویسان گذشته و حتی کنونی معیار دقیقی برای ترکیب ندارند یا نمی‌شناسند. برخی تجمیع یا عطف را با ترکیب یکسان می‌پندارند؛ یعنی جمع شدن یا عطف دو یا چند جمله را ترکیب می‌دانند. پیش از آنکه معیار معینی را برای ترکیب در جمله‌های مرکب معرفی کنیم، چند تعریف یا دیدگاه را از چند کتاب دستوری با دیدگاه‌های زبان‌شناسی مانند ساختارگرایی یا گشتاری و نیز نگاهی به این موضوع در چند مقاله و نیز چند دستور زبان فارسی که در سالهای گذشته و اکنون کاربرد بیشتری داشته یا دارند، بررسی می‌کنیم.

الف- دیدگاه‌های زبان‌شناسی

۱- کتابها

۱-۱- توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی؛ محمدرضا باطنی

در این کتاب در تعریف جمله آمده است: "جمله به آن واحد زبان فارسی گفته می‌شود که از یک بند یا بیشتر ساخته شده باشد. جمله فارسی بر دو گونه است: جمله هسته‌ای و جمله خوشه‌ای" (باطنی، ۱۳۸۵: ۶۰). منظور از بند در این کتاب جمله‌واره یا جمله‌های وابسته در درون جمله مرکب است. در توضیح و توصیف جمله هسته، می‌نویسد که: "جمله هسته‌ای از یک هسته مرکزی تشکیل شده که وجود آن اجباری است و از تعدادی وابسته که وجود آنها اختیاری است" (همان). در این تعریف، جمله‌ای که از یک بند تشکیل شده همان جمله ساده است و جمله‌ای که بیشتر از یک بند دارد، جمله مرکب. اما باید توجه کرد که این تعریف درباره جمله ساده درست و بی‌خدشه است اما اگر آوردن وابسته‌ها (جمله‌واره‌ها/جمله‌ها یا بندهای پیرو)، اختیاری است پس جمله مرکب چگونه تشکیل می‌شود؟ چون ایشان ذکر کرده‌اند که هسته می‌تواند مستقل از وابسته وجود داشته باشد ولی وابسته‌ها نمی‌توانند مستقل از هسته وجود داشته باشند (همان: ۶۱). در سطرهای آینده، در این باره توضیح می‌دهیم. در ادامه بحث این کتاب نویسنده محترم اصطلاح "بند آزاد" را برای جمله هسته/پایه/اصلی و اصطلاح "بند مقید" را برای جمله‌واره/جمله پیرو/وابسته معرفی می‌کنند. اصطلاح جمله‌های خوشه‌ای هم درباره جمله‌های معطوف صادق است.

۱-۲- دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری؛ مهدی مشکوة‌الدینی

ایشان در فصل ششم کتاب خود به جمله‌های مرکب پرداخته و آنها را به دو گروه تقسیم کرده است: جمله‌های مرکب همپایه و جمله‌های مرکب ناهمپایه که از دیدگاه ما قسمت دوم را می‌توان جمله‌های مرکب نامید. در تعریف جمله مرکب نوشته‌اند: «جمله مرکب از بیش از یک جمله اصلی پدید می‌آید» (مشکوة‌الدینی، ۱۳۷۹: ۸۱). ایشان با توجه به مثالها، جمله‌های مرکب را به دو گروه تقسیم می‌کند که گروه دوم را می‌توان مرکب نامید. معیار بیان شده برای ترکیب بسیار کلی و نامحدود است و نویسنده هم برای فرار از این نامحدودی، گفته‌اند که «از لحاظ نظری جمله مرکب همپایه می‌تواند به هر میزانی طولانی باشد؛ با این حال در گفتار عادی معمولاً از تعداد محدودی پیوندهای همپایه تجاوز نمی‌کند» (همان: ۸۲). این توجیه نیز خود دوباره میزان و معیار را کلی می‌کند؛ زیرا با این وصف کل یک کتاب را می‌توان یک جمله مرکب دانست و نیز اینکه در زبان گفتار عادی معمولاً از تعداد محدودی پیوندهای همپایه ساخته می‌شود، خود مشخص نیست. وی سپس این نوع از جمله‌ها را براساس مبانی و انواع گشتار بررسی کرده و تأثیر گشتارها را در جمله مرکب و روابط بین اجزا و ملاحظات ژرف‌ساختی را در چند مثال نشان داده است. ایشان در کتاب دستور زبان فارسی (واژگان و پیوندهای ساختی) در فصل شانزدهم باز با همین تقسیم‌بندی دوگانه در باره پیوندهای ساختی جمله مرکب ناهمپایه‌ای بحث کرده است (ر.ک: مشکوة‌الدینی، ۱۳۸۷: ۲۳۴-۲۴۱).

۱-۳- دستور زبان (ویژه دوره‌های کاردانی و کارشناسی آموزش زبان و ادبیات فارسی)

این کتاب تألیف چند نفر از جمله مرحوم دکتر علی محمد حق شناس است. در این کتاب درباره جمله مرکب گفته شده: «جمله مرکب، جمله‌ای است که دست کم دو فعل تصریف شده داشته باشد؛ فعل تصریف شده آن است که سه مقوله شخص، شمار و زمان را دربرگیرد» (حق شناس و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۸۵). سپس همچون چند دستور دیگر جمله مرکب را به دو گونه همپایه و

ناهمپایه تقسیم می‌کند. در مبحث جمله‌های مرکب ناهمپایه به بررسی جملهٔ پیرو (درون جملهٔ مرکب) می‌پردازد. دربارهٔ جملهٔ مرکب ناهمپایه که موضوع این مقاله است این کتاب می‌نویسد: «این‌گونه جمله‌ها دست کم از دو جمله ساخته می‌شود که یکی از آنها مستقل و دیگری وابستهٔ آن است؛ مثلاً در جملهٔ مرکب اگر فردا برف بیارد نمی‌توانیم به سفر برویم، جملهٔ اول غیر مستقل ولی جملهٔ دوم مستقل است» (همان: ۱۸۹). اشکال این کتاب نیز در تقسیم‌بندی جمله‌های مرکب است که همچون برخی دیگر از دستورها جمله‌های معطوف را مرکب می‌شمارد. در بارهٔ اینکه یکی از جمله‌ها (جملهٔ پایه) می‌تواند مستقل باشد یا نه در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۱-۴- ساخت زبان فارسی؛ خسرو غلامعلی زاده

نویسنده در این کتاب در مبحث همپایگی دربارهٔ جمله‌های همپایه یا معطوف و در مبحث ناهمپایگی (۱۵۱-۱۷۰) دربارهٔ جمله‌هایی بحث کرده که ما در اینجا فقط آنها را مرکب می‌دانیم. ایشان این نوع جمله‌ها را با نام جملهٔ مرکب تعریف نکرده اما دربارهٔ جمله‌های مورد نظر نوشته‌است: «گاه ملاحظه می‌شود که جمله‌ای به عنوان یکی از سازه‌های جملهٔ دیگر که آن را جملهٔ فراگیرنده می‌نامیم، عمل می‌کند و در درون آن، نقش نحوی ایفا می‌نماید. ساخت حاصل از این طریق را ساخت ناهمپایه نامند» (غلامعلی زاده، ۱۳۸۶: ۱۵۱). در ادامه در نامگذاری اجزای این نوع جمله‌ها نوشته‌اند: «جملهٔ فراگیرنده ممکن است خود جمله‌وارهٔ اصلی یا جمله‌وارهٔ وابستهٔ یک جمله‌وارهٔ دیگر باشد. جمله‌وارهٔ فراگرفته شده را جمله‌وارهٔ وابسته، جمله‌وارهٔ پیرو یا جمله‌وارهٔ درونه‌ای گویند: این که او به موقع در جلسه حاضر نشد مرا ناراحت کرد...» (همان). البته ایشان در پانویس برای رفع ابهام توضیحاتی داده و بین جمله‌واره‌های اصلی و فراگیرنده و فراگرفته تفاوت قائل شده‌اند که درست است اما در مجموع این تعریف یا توصیف مقداری موضوع را پیچانده و پر اصطلاح کرده است؛ وگرنه منظور از جملهٔ ناهمپایه، همان مرکب و منظور از جمله‌وارهٔ اصلی همان جمله‌وارهٔ پایه و بقیه، جمله‌واره‌های پیرو هستند که در ادامهٔ مطلب به آنها خواهیم پرداخت. وی سپس به رابطهٔ درون جمله‌های مرکب با عنوان وابستگی پرداخته و انواع جمله‌واره‌های پیرو آن را با نام جمله‌واره‌های موصولی، متممی و قیدی بررسی کرده است (همان: ۱۵۵-۱۷۰).

۱-۵- دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی؛ شهرزاد ماهوتیان

این کتاب همانگونه که از نامش پیداست یکی از گرایشهای عمده در زبان‌شناسی را معیار خود قرار داده و در محدودهٔ مطالعات همزمانی، سبک محاوره‌ای فارسی تهرانی افراد تحصیل‌کرده را انتخاب و آن را توصیف کرده است. موضوع مورد بحث ما در صفحات ۳۶ تا ۵۰ و با عنوان پیرو سازی در این کتاب مطرح شده است. در این قسمت وی بدون نام بردن از جملهٔ مرکب و یا تقسیم آن به همپایه و ناهمپایه، به بندهای درون این جمله‌ها می‌پردازد. نویسنده عملاً جملهٔ مرکب مورد بحث را جمله‌ای می‌داند که یک پایه دارد و یک یا چند پیرو. البته ایشان در مثالها به بررسی جمله‌هایی پرداخته که یک پیرو دارد و این بندهای پیرو به صورت بند اسمی (با چند نوع)، بند پرسشی غیر مستقیم، بند امری غیر مستقیم، بند اسمی نامحدود و ... ظاهر می‌شوند (ماهوتیان، ۱۳۸۳: ۳۷-۵۰). در این کتاب آنچه را در این نوشتار جملهٔ مرکب می‌دانیم به درستی و البته با توجه به دیدگاه خاص کتاب و در سطحی محدود بررسی شده است.

۲- مقالات

۱-۲- وحیدیان کامیار در مقاله‌ای با نام «قواعد گشتار در جمله‌های مرکب» به بررسی اعمال چهار گشتار حذف، تبدیل، اضافه و جابه‌جایی بر جملهٔ مرکب پرداخته و با مثالهایی چگونگی تبدیل جملهٔ مرکب را به جملهٔ ساده از طریق این گشتارها نشان داده است. ایشان در این مقاله مانند کتابشان جملهٔ مرکب را متشکل از هسته و وابسته می‌دانند (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۴: ۴۵-۳۷).

۲-۲- حسین وثوقی در مقالهٔ «جملهٔ مرکب و حذف معادلها در زبان فارسی» جمله را به دو گروه تک‌پایه و چند پایه تقسیم می‌کند. آنگاه جمله‌های چند پایه را نیز به جمله‌های مرکب (پیوندی) و جمله‌های ترکیبی (پیچیده) بخش پذیر می‌داند (وثوقی،

۱۳۶۳: ۱۷۱). درباره جمله ترکیبی نوشته‌اند: «جمله ترکیبی از تداخل یک یا چند جمله دخیل در یک جمله مدخول حاصل می‌شود و یکی از انواع آن به این شکل است: بچه‌هایی که در کوچه بازی می‌کنند، سر و صدا راه می‌اندازند» (همان: ۱۷۲). صرف نظر از نارسایی و غیر فصیح بودن تعریف، آنچه ایشان جمله مرکب نامیده همان جمله‌های معطوف و آنچه را ترکیبی یا پیچیده گفته‌اند، همان جمله‌های مرکب هستند. در واقع به نظر می‌رسد معیار ایشان تعداد پایه در جمله است که با فعل و چنانکه در مقاله نوشته‌اند با ابلاغ پیام روشن می‌شود.

۲-۳- محمدرضا پهلوان نژاد و حسین رسول پور در مقاله‌ای با عنوان «جملات مرکب در زبان فارسی؛ تحلیلی بر پایه نظریه نقش و ارجاع» جمله‌های مرکب را بر اساس نظریه دستوری گفته شده بررسی کرده‌اند. نویسندگان بدون تعریف مستقیم از جمله مرکب، آن را تحت دو رابطه کلی همپایگی و ناهمپایگی بررسی نموده و دو نوع رابطه را برای همپایگی و نه رابطه را برای ناهمپایگی معتبر دانسته‌اند (۱۳۹۱: ۱۰). با توجه به مثالها و سپس تقسیم بندی دیگر نویسندگان از رابطه‌های همپایگی و ناهمپایگی که رابطه همپایگی را به دو نوع کانونی و بندی تقسیم می‌کنند، یک نوع خلط و همپوشانی در این نوع جمله‌ها دیده می‌شود و جمله‌های معطوف و مرکب هر دو را مرکب می‌گیرند و فقط نامهای جدیدی برمی‌گزینند. در حالی که در جمله‌های مرکب اصلاً همپایگی وجود ندارد بلکه وابستگی است. نویسندگان سپس به رابطه‌های نه‌گانه در جمله‌های ناهمپایه پرداخته‌اند. با توجه به توضیحات ما فقط این قسم را جمله مرکب خواهیم شمرد.

ب- دیدگاه دستور نویسان

در این قسمت دیدگاه صاحب نظرانی بررسی می‌شود که گرچه برخی از آنها زبان‌شناسی را نیز خواننده و می‌دانند ولی به دستوردانی و دستور نویسی شهرت بیشتری دارند و کتابهای آنها بیشتر در جامعه علمی مطرح و پذیرفته شده است.

۱- دستور زبان خیامپور؛ شادروان خیامپور جمله را با معیار ارتباط با جمله‌های دیگر تقسیم کرده و آنها را هفت قسم شمرده است: جمله آزاد، جمله‌های به هم پیوسته، جمله‌های متداخل، جمله‌های متجانس، جمله تفسیری، جمله تأویلی و جمله بدلی. در اینجا نیاز و فرصت پرداختن به نقد این تقسیم‌بندی نیست اما آنچه مربوط به این بحث است جمله مرکب است که ایشان با عنوان "جمله‌های به هم پیوسته" نامگذاری کرده و در تعریف آن گفته است: "مجموعه جمله‌هایی است که یکی از آنها به منزله اصل و پایه است و دیگر جمله یا جمله‌ها تابع و پیرو آن. از این رو جمله پایه در تشکیل کلام، حائز مقام اول است و جمله پیرو وابسته به اوست و آن را از نظر معنی تکمیل می‌کند؛ چنانکه: من ندانستم از اول که تو بی مهر و وفایی" (خیامپور، ۱۳۷۵: ۱۳۹). در این تعریف معیار ترکیب چند جمله بودن و وابستگی درونی جمله‌های پیرو به جمله پایه ذکر شده است.

۲- دستور مفصل امروز، فرشیدورد. آن مرحوم که بخش عمده‌ای از عمر خویش را در تحقیقات و مباحث دستوری گذراند در کتابهای خود بویژه در دستور مفصل و در مبحث حروف ربط و نیز جمله‌های مرکب به این موضوع پرداخته است. ایشان در باره تقسیم جمله گفته است: «جمله بر دو قسم است: ۱- بسیط ۲- مرکب. جمله مرکب یا جمله بزرگ آن است که داخل آن جمله‌واره باشد و بیش از یک مسند یا فعل داشته باشد و در آن حروف ربط و گروه‌های ربطی و عناصر و ادوات دستوری دیگری به کار رفته باشد» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۱۱۹). در این تعریف وجود جمله‌واره‌ها و عناصر ربطی در جمله، معیار ترکیب دانسته شده اما ذکر ادوات دستوری دیگر مبهم و زائد است. ایشان آنگاه جمله‌های مرکب را به دو گروه جمله‌های مرکب پیوسته یا همسانی و جمله مرکب هم‌بسته یا وابستگی تقسیم می‌کند (همان). با توضیحات و مثالهایی که در کتاب ارائه شده قسم دوم همان جمله‌هایی است که می‌توان آنها را جمله مرکب دانست اما قسم اول جمله‌های معطوف یا پیوسته است بویژه آنکه خود ایشان در تعریف گفته‌اند که در داخل جمله بزرگ باید جمله‌واره باشد؛ حال آنکه در درون جمله‌های معطوف می‌تواند جمله‌واره نباشد. از طرف دیگر در تعریف ایشان معیاری برای جدا کردن این دو گونه جمله نیست.

۳- دستور زبان فارسی؛ محمد جواد شریعت. شادروان شریعت در کتاب خود جمله مرکب را تعریف نکرده بلکه چنین توصیف کرده است: «از اتصال وانضمام جمله‌های ساده کوتاه یا بلند، جمله‌های مرکب به وجود می‌آید». سپس این جمله‌ها را اینگونه تقسیم می‌کند و آنها را «سه طریق» می‌شمارد:

«اول آنکه یک جمله ساده بلند یا کوتاه به جای یکی از ارکان جمله ساده اصلی آمده باشد: بارها در دلم آمد که به اقلیمی دیگر نقل کنم... دوم آنکه جمله ساده بلند یا کوتاه یکی از ارکان جمله ساده اصلی را تشریح کند و توضیح دهد: پسری که رفت برادر مرا زد... سوم آنکه دو یا چند جمله ساده بلند یا کوتاه به وسیله حرف ربط به هم مربوط یا معطوف شده باشند» (شریعت، ۱۳۷۵: ۷۹). در تعریف ایشان نیازی به ذکر کوتاه یا بلند بودن جمله‌های ساده نیست و از سوی دیگر ملاک ترکیب را، اتصال و انضمام جمله‌ها دانسته که کلی است و چگونگی اتصال و انضمام را روشن نکرده است. قسم سوم، جمله معطوف است و مرکب نیست.

۴- دستور زبان خانلری. مرحوم خانلری در کتاب دستور خود با دید دقیقتری به جمله مرکب پرداخته است. از نظر وی «بسیاری از جمله‌ها هستند که معنی آنها با یک فعل تمام نمی‌شود و برای آنکه معنی کاملی به ذهن القا کنند به چند فعل محتاجند. این گونه جمله‌ها که از چند قسمت تشکیل شده‌اند، جمله مرکب خوانده می‌شود» (خانلری، ۱۳۸۲: ۲۴۳). در این تعریف به گونه روشن به این نکته اشاره شده که جمله مرکب بیش از یک فعل دارد؛ زیرا با یک فعل معنی آن تمام نیست. ایشان با شرحی مفصل در باره جمله‌های ساده به شرح جمله‌های مرکب نیز می‌پردازد و با تقسیم‌بندی جمله مرکب به دو قسمت فراکرد پایه و فراکرد پیرو، نمونه‌هایی که نسبت و رابطه بین پایه و پیرو را مشخص می‌سازد، بیان می‌کند. از نظر ایشان جمله مرکب بیش از یک فعل دارد و فراکرد پیرو جزئی از جمله است و جای یکی از اجزا یا قسمتهای جمله را می‌گیرد (همان: ۲۴۴). در این توضیحات به جای اصطلاح جمله‌واره یا جمله پیرو اصطلاح فراکرد گفته شده که نامانوس است و پذیرش عام نیافته است.

۵- دستور زبان فارسی؛ انوری، احمدی گیوی. مؤلفان این کتاب مانند خانلری جمله مرکب را جمله‌ای می‌دانند که در آن بیش از یک فعل به کار رفته باشد و آن را متشکل از یک جمله هسته و یک یا چند جمله وابسته می‌دانند (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۸۵: ۳۱۴)

۶- دستور زبان فارسی (۱) وحیدیان کامیار. در این دستور که با نگاه ساختارگرایی نگاشته شده جمله مرکب «دارای یک جمله هسته و یک یا چند جمله وابسته است؛ پس جمله مرکب دست کم یک جمله وابسته دارد: به دوستم سفارش کردم که به دیدن شما بیاید» (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۶: ۱۱۶). در ادامه ذکر می‌کند که در جمله مرکب جمله وابسته، جزئی از جمله هسته است؛ سپس به چند نمونه از این وابستگی یا تأویل پذیری جمله وابسته (پیرو) می‌پردازد. در این کتاب با نگاه ساختاری به جمله مرکب پرداخته شده و وابستگی جمله‌واره‌های وابسته به هسته را ملاک ترکیب قرار داده است. البته با نگاه و معیار این کتاب در مورد هسته و وابسته که اصل، هسته است و وابسته را می‌توان آورد یا نیاورد در باره جمله مرکب ابهام پیدا می‌کند.

در برخی دیگر از دستورهای دیگر نیز کم و بیش مطالبی مانند آنچه گفته شد، بیان شده که نیازی به پرداختن به آنها نیست. با توجه به تعریفها و توصیفهای ذکر شده روشن می‌شود که در بین دستور نویسان ما (آنهايي که آراء و کتابهایشان تدریس می‌شود یا مورد توجه جامعه علمی است) معیار یکسان و دقیقی وجود ندارد. البته تعدادی، معیار ترکیب را روشن کرده‌اند اما برخی در ارائه معیار ترکیب دقت نکرده‌اند؛ به گونه‌ای که جمله‌های معطوف را با جمله‌های مرکب یکسان شمرده‌اند. نقطه مشترک در بین دستورهای ذکر شده در باره جمله مرکب، «وجود بیش از یک فعل» در چنین جمله‌هایی است. چند نفر از نویسندگان نیز با دقت بیشتر و با جدا کردن جمله‌های معطوف و وابسته، وجود وابستگی را نیز نکته‌ای در درون جمله مرکب ذکر کرده‌اند (خانلری، باطنی، وحیدیان کامیار).

نکته‌ای که به نظر می‌رسد باعث اشتباه یا دقیق نبودن تعریف و توصیف جمله مرکب در برخی از دستورها شده، یکسان دانستن عطف با ترکیب است؛ چنانکه دیدیم برخی، جمله‌هایی را که با حروف عطف- بویژه حروف «و» و «یا»- به هم پیوسته‌اند، جمله مرکب شمرده‌اند؛ (مشکوٰۃ‌الدینی، فرشیدورد، شریعت، حق‌شناس و دیگران). در حالی که چنین جمله‌هایی مرکب نیست؛ زیرا هیچ‌گونه وابستگی در بین آنها نیست و فقط به هم عطف شده و پیوسته‌اند. این نکته بیشتر در مبحث حروف و تقسیم آن به حروف ربط و اضافه و سپس تقسیم حروف ربط به دو گروه همپایه ساز و وابسته ساز مطرح می‌شود. اگر به درستی به تعریف و مفهوم جمله بازگردیم متوجه می‌شویم که جمله، واحدی کامل و مستقل از زبان است که پیامی را می‌رساند؛ اگر این جمله کامل همراه با یک فعل بود، جمله ساده و اگر بیش از یک فعل داشت جمله مرکب است. جمله‌های ساده و مرکب را می‌توان با حروف عطف به هم پیوست. در اصطلاح دستور نویسان، چنین جمله‌هایی همپایه هستند. پس همپایگی با ترکیب تفاوت دارد. در واحدهای دستوری دیگر مانند اسم، صفت و فعل نیز همپایگی وجود دارد. همپایه‌ها چه در گروه‌های اسمی و وصفی و چه در جمله‌ها، جدا و مستقل هستند و ما با حروف ربط و به بیان دقیقتر حروف عطف آنها را به هم می‌پیوندیم؛ در حالی که هیچ‌گونه وابستگی ساختاری و دستوری در بین آنها نیست، هرچند ارتباط معنایی ممکن است داشته باشند؛ اما جمله مرکب از دو یا چند قسمت ترکیب شده که حاصل آن یک جمله کامل و رساننده پیام است. از سوی دیگر اگر جمله‌های معطوف را مرکب بشماریم پایان جمله مرکب معلوم نمی‌شود چون می‌توان جمله‌های همپایه متعددی را به هم پیوست؛ ولی جمله‌های مرکب با پایان وابستگی‌های درونی که محدود است کامل و تمام می‌شود. بنابراین مهمترین اشتباه در تعریف برخی از دستورها از جمله مرکب، یکی دانستن عطف و ترکیب و تمایز قائل نشدن بین آن دو است.

معیار ترکیب

برای ترکیب در ساخت اسم، صفت، فعل و جمله باید معیاری دقیق و یکسان را در نظر بگیریم. چنانکه در واحدهای دستوری اسم، صفت و فعل، ترکیب یعنی پیوستگی دو یا چند جزء که بر روی هم معنی واحد بدهند و اجزای آن به هم وابسته شوند. مثلاً واژه‌های «سالگرد، زمینگیر، پدیدآورد» به ترتیب اسم مرکب، صفت مرکب و فعل مرکب هستند و اجزای آن به هم وابسته‌اند و با هم معنی واحدی می‌دهند و اگر اجزای آن را از هم جدا کنیم دیگر آن واژه‌های قبل نیستند و معنی قبلی را نمی‌دهند. در جمله مرکب نیز باید معیاری یکسان وجود داشته باشد تا همچون واحدهای ذکر شده بتوانیم به درستی مصداقهای آن را تشخیص دهیم. نخستین گام در رسیدن به معیار در تعریف و شناسایی جمله مرکب، جدا کردن این بحث از جمله‌های معطوف است. جمله‌هایی را که با حروف عطف به هم می‌پیوندند باید جمله‌های معطوف یا پیوسته بنامیم؛ چنانکه برخی از دستور نویسان از جمله خیامپور، خانلری، فرشیدورد و انوری هم چنین کرده‌اند. اما جمله‌هایی که با حروف ربط وابسته ساز ساخته می‌شوند و اجزای آن به هم وابسته‌اند جمله‌های مرکب هستند. بنابراین، معیارها و نشانه‌های ترکیب با توجه به ساختار و معنی در جمله مرکب چنین است:

- بیش از یک فعل دارد؛

- از دو یا چند جمله‌واره وابسته به هم تشکیل می‌شود؛

- مجموع جمله‌واره‌ها با هم یک جمله کامل می‌سازند و یک پیام را می‌رسانند؛

- از جمله‌واره‌ها یکی هسته (پایه) و دیگر جمله‌واره یا جمله‌واره‌ها وابسته (پیرو) آن هستند؛

- جمله‌واره یا جمله‌واره‌های پیرو می‌توانند به یکی از اجزاء اصلی جمله تأویل شوند و در قبال جمله پایه نقش نحوی بگیرند؛

- در جمله مرکب حروف ربط وابستگی/پیونده وجود دارد؛ مانند «که، تا، اگر، اگرچه، در صورتی که،...»؛

- نشانه وابستگی یا پیرو بودن جمله‌واره/ها وجود حرفهای ربط وابستگی است؛

- در درون جمله مرکب هیچ یک از جمله‌واره‌ها استقلال ندارند و مکث در پایان جمله صورت می‌گیرد.

در برخی از دستورها گفته شده که جمله هسته/پایه در جمله مرکب مستقل است (باطنی، حق شناس و دیگران) اما باید دانست که این جمله برای تکمیل پیام اصلی در جمله مرکب می‌آید. مثلاً در جمله مرکب: «درسم که تمام شد استراحت می‌کنم»؛ جمله‌واره استراحت می‌کنم هسته/پایه است و پیام اصلی را می‌رساند اما این پیام، وابسته به عملی دیگر است که باید انجام شود. نکته مهم این‌که ساختار جمله‌های مرکب به نحوی است که اجباراً بخشی از آن (جمله‌واره/پایه/هسته) باید به صورت ظاهر مستقل باشد تا بتواند جمله را تمام و کامل کند. در جمله مرکب: اگر دوست قدیمی ما را دیدی، سلام ما را به او برسان؛ جمله‌واره سلام ما را به او برسان پایه و از نظر ساختاری مستقل است اما به تنهایی کاربرد ندارد و در تکمیل قسمت قبل آورده می‌شود و کل جمله با هم معنی کامل می‌دهد. گاهی جمله‌واره/پایه/هسته نمی‌تواند مستقل باشد؛ چون فعل آن متعدی است و جمله‌واره پیرو/وابسته در حقیقت مفعول فعل جمله پایه است: از او خواسته بودم تا این کتاب را برای من بخرد. از او خواسته بودم به تنهایی ناقص و غیر کاربردی است. بنابراین نمی‌توان گفت که در جمله مرکب جمله مستقل وجود دارد بلکه همه اجزا با هم جمله مرکب را می‌سازند و معنی را می‌رسانند.

پس ترکیب یعنی امتزاج دو یا چند قسمت با هم که نمی‌توان یک قسم آن را حذف کرد؛ اما در شکل عطفی، از دو یا چند قسمت معطوف به هم می‌توان یکی یا بیشتر را حذف کرد یا در بین آنها مکث پایان جمله آورد. ترکیب یعنی امتزاج اجزائی که حاصل آن یکی است؛ همچنانکه در اسم، صفت و فعل نیز چنین است. در جمله مرکب، دو یا چند جمله‌واره با هم التزام دارند؛ یعنی به همراه هم پیام و معنی مورد نظر را می‌رسانند؛ اگر آنها را از هم جدا کنیم دیگر آن معنی را نمی‌رسانند و چون ناقص هستند، نمی‌توانند جمله باشند و منظوری را برسانند. درحالی که در جمله‌های معطوف (پیوسته/همسان) چنین نیست و هر جمله پیام و منظور خود را می‌رساند. مثلاً در دو جمله معطوف «هواسرد شد و مردم لباس گرم پوشیدند.» هر یک از این دو جمله از نظر ساختار و پیام مستقل هستند و حرف عطف «و» فقط آنها را به هم پیوند زده و معطوف کرده است و هیچ ترکیبی در آنها صورت نگرفته است. برخی از دستور نویسندگان هم این موضوع را در بحث جمله‌های مرکب گفته‌اند که «هیچ یک از دو جمله اصلی [در جمله‌های معطوف] بر دیگری احاطه دستوری ندارد، یعنی هیچ یک از آنها رابطه دستوری خاصی با دیگری دارا نیست از همین رو می‌تواند به صورت جمله‌ای مستقل به کار رود» (مشکوةالدینی، ۱۳۷۷: ۷۸). با وجود اینکه این دو جمله، مستقل هستند و خود به ناوابستگی آنها اشاره کرده‌اند باز هم آنها را مرکب شمرده‌اند. عطف در جمله‌ها برای تسلسل در کلام، روان بودن و سرعت در خواندن جمله‌هاست؛ گرچه ارتباط معنایی هم دارند اما در ترکیب، پیوستگی و التیام اجزا باید صورت بگیرد تا یک جمله کامل تشکیل شود.

آهنگ جمله‌های مرکب نیز با جمله‌های ساده و معطوف تفاوت دارد. در جمله‌های: احمد آمد. احمد آمد و حسن رفت. هر یک از جمله‌ها آهنگ خبری دارند؛ اما در جمله: «وقتی احمد آمد حسن رفت» آهنگ قسمت اول به نحوی است که شنونده درمی‌یابد جمله تمام نشده و باید منتظر ادامه آن بود. پس یکی دیگر از تفاوت‌های جمله مرکب تفاوت آهنگ آن با دیگر جمله‌هاست.

پایه، پیرو

معمولاً در دستورها این دو اصطلاح را با عنوان جمله می‌آورند اما درست‌تر آن است که بگوییم جمله‌واره؛ زیرا با وجود داشتن فعل، هیچ یک در جمله مرکب معنی و پیام کاملی را نمی‌رسانند. هر جمله مرکب در درون خود یک جمله‌واره پایه یا هسته و یک یا چند جمله‌واره پیرو دارد. جمله‌واره پایه (main clause) آن است که می‌توانیم به طور مستقل آن را بیان کنیم و ساختار ظاهری آن ناوابسته است. جمله‌واره پیرو یا وابسته (subordinate clause) آن است که با حروف ربط وابسته ساز به جمله‌واره پایه می‌پیوندد و وابسته آن است. معمولاً پیام و منظور اصلی در قسمت پایه/هسته است اما این قاعده‌ای همیشگی نیست. مثلاً در جمله: «روزها فکر من این است و همه شب سخنم / که چرا غافل از احوال دل خویشتم» به نظر می‌رسد که پیام و مقصود

اصلی، بیان غفلت است که در جمله پیرو قرار دارد. به هر حال این معیار، معنایی و ذوقی است و می تواند متفاوت باشد. وابسته بودن جمله‌واره‌های پیرو، بیشتر با حروف ربط وابسته ساز صورت می‌گیرد. حروفی مانند: اگر، در صورتی که، چنانچه، همانطور که، به محض اینکه، اما گاهی در زبان، بویژه در زبان گفتار و در نوشته‌های ساده و داستانی، پیوندهای وابسته ساز حذف می‌شوند؛ در چنین مواردی، «رابطه وابستگی، از بافت کلام و از آهنگ و ضرباهنگ جمله مستفاد می‌شود. ماهیت وابستگی (زمان، هدف و قصد، شرط و جز آنها...) منحصرأ با توجه به بافت جمله، یعنی با توجه به رابطه معنایی میان تک جمله پایه و تک جمله پیرو آشکار می‌گردد. مثال: دید حسن اومد؛ دید که» (لازار، ۱۳۸۴: ۲۵۲).

الگوی ساختاری جمله‌های مرکب

جمله‌های مرکب در زبان فارسی بسیار گسترده و متنوع است. منظور از گستردگی، کثرت انواع آن و منظور از تنوع، فراوانی ترکیب آن از انواع فعلهاست. از این رو آن را «شناور» نامیده‌ایم. بر خلاف الگوی ساختاری جمله‌های ساده که کمتر از سی تاست الگوی جمله‌های مرکب بسیار فراوان است. جمله‌واره‌های پایه و پیرو هر یک به شکلهای گوناگون در جمله ظاهر می‌شوند. تفاوت اساسی در معنای بسیاری از این جمله‌ها وجود ندارد اما در هر الگویی یکی از عناصر مانند شرط، زمان، التزام و تأکید اهمیت بیشتری دارد یا در موقعیتهای مختلف یکی از این جمله‌ها کاربرد بیشتری دارد. در ادامه، الگوهای جمله مرکب را با توجه به زمان افعال جمله‌واره‌های پایه و پیرو نشان می‌دهیم. در این الگوها فعل اول مربوط به جمله پایه و فعل دوم مربوط به جمله‌واره پیرو است. در این تحقیق جمله‌هایی آورده‌ایم که فقط از دو قسمت، یعنی پایه و یک پیرو تشکیل شده است. همچنین برای خارج نشدن از الگوی خود جمله‌ها را به ترتیب ابتدا پایه و سپس پیرو ذکر کرده‌ایم. در ارائه مثالها علاوه بر استفاده از شواهد در متنهای فارسی - بویژه فارسی امروز - از شم زبانی هم استفاده شده است.

- ۱- فعل اول ماضی ساده فعل دوم ماضی ساده
من خودم شنیدم که علی چه گفت.
- ۲- فعل اول ماضی ساده فعل دوم ماضی نقلی
استاد گفت که هفته پیش به زیارت کربلا و نجف رفته است.
- ۳- فعل اول ماضی ساده فعل دوم ماضی استمراری
من به شما گفتم که دیروز باران می‌بارید.
- ۴- فعل اول ماضی ساده فعل دوم ماضی مستمر
زمانی به خود آمدم که اتوبوس داشت می‌رفت.
- ۵- فعل اول ماضی ساده فعل دوم ماضی بعید
وقتی که من به مدرسه رسیدم، زنگ کلاس خورده بود.
- ۶- فعل اول ماضی ساده فعل دوم ماضی التزامی
رضا گفت که شاید کتابم را گم کرده باشم.
- ۷- فعل اول ماضی ساده فعل دوم ماضی استمراری نقلی
او ادعا کرد که در گذشته برای محرومان کمک‌های مالی می‌برده است.
- ۸- فعل اول ماضی ساده فعل دوم مضارع اخباری
اگر شما به وعده خود عمل کردید من هم عمل می‌کنم.
- ۹- فعل اول ماضی ساده فعل دوم مضارع التزامی
معلم خود عمل کرد تا ما هم بیاموزیم.
- ۱۰- فعل اول ماضی ساده فعل دوم مضارع مستمر

- ما خود دیدیم که آنها دارند صادقانه تلاش می‌کنند.
- ۱۱- فعل اول ماضی ساده فعل دوم آینده
وقتی که شما به آنجا رسیدید، او هم خودش را به آنجا خواهد رساند.
- ۱۲- فعل اول ماضی ساده فعل دوم امر
به زیارت که رفتید، ما را هم دعا کنید.
- ۱۳- فعل اول ماضی ساده فعل دوم غیرشخصی
با راهی که آنها در پیش گرفتند نمی‌توان به چیزی امید داشت.
- ۱۴- فعل اول ماضی استمراری فعل دوم ماضی ساده
جوانی که دیروز خانه می‌خواست به اینجا آمد.
- ۱۵- فعل اول ماضی استمراری فعل دوم ماضی استمراری
وقتی که دلم تنگ می‌شد به دیدار دوستانم می‌رفتم.
- ۱۶- فعل اول ماضی استمراری فعل دوم ماضی نقلی
من می‌دانستم که او درس نخوانده است.
- ۱۷- فعل اول ماضی استمراری فعل دوم ماضی بعید
شما می‌دانستید که او چه کار کرده بود؟
- ۱۸- فعل اول ماضی استمراری فعل دوم ماضی التزامی
برخی شواهد نشان می‌داد که شاید سارق او را کشته باشد.
- ۱۹- فعل اول ماضی استمراری فعل دوم ماضی مستمر
من می‌دیدم که او داشت سخت تلاش می‌کرد.
- ۲۰- فعل اول ماضی استمراری فعل دوم ماضی بعید نقلی
گذشتگان ما تعریف می‌کردند که نسل‌های قبل از آنها چه سختی‌هایی کشیده بوده‌اند.
- ۲۱- فعل اول ماضی استمراری فعل دوم ماضی استمراری نقلی
دوستم می‌گفت که گاه گاهی در گذشته، به درون غارها می‌رفته است.
- ۲۲- فعل اول ماضی استمراری فعل دوم مضارع اخباری
حسن از قبل می‌دانست که ما به خانه‌اش می‌رویم.
- ۲۳- فعل اول ماضی استمراری فعل دوم مضارع التزامی
او برای این بدرفتاری می‌کرد که چند زمانی بیشتر بر مسند بماند.
- ۲۴- فعل اول ماضی استمراری فعل دوم مضارع مستمر
مردم می‌دیدند که آنها به جلد دارند فعالیت می‌کنند
- ۲۵- فعل اول ماضی استمراری فعل دوم آینده
روزنامه‌ها می‌نوشتند که این کارخانه چه کالاهایی خواهد ساخت.
- ۲۶- فعل اول ماضی استمراری فعل دوم امر
استاد بارها می‌گفت که این کتاب‌ها را حتماً بخوانید.
- ۲۷- فعل اول ماضی استمراری فعل دوم غیرشخصی
سهراب در اشعارش تأکید می‌کرد که چشمها را باید شست.
- ۲۸- فعل اول ماضی استمراری نقلی فعل دوم ماضی نقلی

- حالت زیان و ضرر تا زمانی دوام می‌یافته (است) که آنان بر غفلت خود واقف نبوده‌اند.
- ۲۹- فعل اول ماضی استمراری نقلی فعل دوم ماضی استمراری نقلی
در گذشته، چون مردم کمتر به سفر می‌رفته‌اند، دروغ جهانگردان را نیز باور می‌کرده‌اند.
- ۳۰- فعل اول ماضی استمراری نقلی فعل دوم مضارع اخباری
مردم قدیم غذاهایی می‌خورده‌اند که امروز همه بر سلامت آن تأکید می‌کنند.
- ۳۱- فعل اول ماضی استمراری نقلی فعل دوم مضارع التزامی
او به گونه‌ای رفتار می‌کرده است که مردم به او گمان نیک ببرند.
- ۳۲- فعل اول ماضی استمراری نقلی فعل دوم امر
با زور به مردم می‌گفته‌اند که از خانه‌هایتان خارج شوید.
- ۳۳- فعل اول ماضی مستمر فعل دوم ماضی ساده
داشتم درس می‌خواندم که برق رفت.
- ۳۴- فعل اول ماضی مستمر فعل دوم ماضی نقلی
داشتی تعریف می‌کردی که کجاها رفته‌ای.
- ۳۵- فعل اول ماضی مستمر فعل دوم ماضی بعید
داشتیم می‌گفتیم که آنها چه بنایی ساخته بودند.
- ۳۶- فعل اول ماضی مستمر فعل دوم غیرشخصی
با حرف‌هایی که پزشکان داشتند به هم می‌گفتند نمی‌توان به زندگی او امید داشت.
- ۳۷- فعل اول ماضی مستمر نقلی فعل دوم ماضی نقلی
سربازان داشته‌اند به مأموریت می‌رفته‌اند که با دشمن مواجه شده‌اند.
- ۳۸- فعل اول ماضی مستمر نقلی فعل دوم مضارع اخباری
او داشته از کنار خیابان می‌گذشته که ماشینی او را زیر می‌گیرد.
- ۳۹- فعل اول ماضی مستمر نقلی فعل دوم مضارع التزامی
داشته می‌رفته که به رفیقش برسد.
- ۴۰- فعل اول ماضی مستمر نقلی فعل دوم امر
پیرمرد لحظه‌های آخر داشته فریادمی زده (است) که به دادم برسید.
- ۴۱- فعل اول ماضی التزامی فعل دوم ماضی نقلی
اگر ماشین به موقع آمده باشد، استاد هم به موقع رسیده است.
- ۴۲- فعل اول ماضی التزامی فعل دوم مضارع اخباری
اگر او رفته باشد، ما هم می‌رویم.
- ۴۳- فعل اول ماضی التزامی فعل دوم مضارع التزامی
شاید او به این قصد گفته باشد که شما بترسید.
- ۴۴- فعل اول ماضی التزامی فعل دوم آینده
خوانندگان دیوان اشعار من انتظار نداشته باشند که من عالمی به فراخنای جهان حافظ شیرازی پیش چشم آنها خواهم گسترده.
- ۴۵- فعل اول ماضی نقلی فعل دوم ماضی ساده
فرهاد خوشحال از اینکه قبول شده است، همه شب را بیدار ماند.
- ۴۶- فعل اول ماضی نقلی فعل دوم ماضی نقلی

شعر در زمان مشروطه بیشتر بدان گونه بوده است که فرانسویان شعر مقتضیات نامیده‌اند.

- ۴۷- فعل اول ماضی نقلی فعل دوم ماضی استمراری
گاهی کسانی در تاریخ زبان و شعر فارسی بوده‌اند که رزانت و جزالت را شرط اصلی شعر می‌دانستند.
- ۴۸- فعل اول ماضی نقلی فعل دوم ماضی بعید نقلی
زمانی پزشک رسیده (است) که بیمار فوت کرده بوده است.
- ۴۹- فعل اول ماضی نقلی فعل دوم ماضی التزامی
کاری هم مانده است که شما نکرده باشید؟
- ۵۰- فعل اول ماضی نقلی فعل دوم مضارع اخباری
وقتی که خدا این همه نعمت به شما داده (است) چرا به خوبی از آنها استفاده نمی‌کنید؟
- ۵۱- فعل اول ماضی نقلی فعل دوم مضارع التزامی
آیا به ما نیاموخته‌اند که چگونه به دیگران احترام بگذاریم؟
- ۵۲- فعل اول ماضی نقلی فعل دوم مضارع مستمر
چه اتفاقی افتاده که همه دارند می‌دوند؟
- ۵۳- فعل اول ماضی نقلی فعل دوم آینده
کسی که زحمت کشیده است، نتیجه‌اش را خواهد دید
- ۵۴- فعل اول ماضی نقلی فعل دوم امر
تا آنها نیامده‌اند، از اینجا بروید.
- ۵۵- فعل اول ماضی نقلی فعل دوم غیرشخصی
با این همه مشغله که برای خود به وجود آورده‌ایم چه می‌توان کرد؟
- ۵۶- فعل اول ماضی بعید فعل دوم ماضی ساده
اگر خوب فکر کرده بودم حالا وضعم بهتر از این بود.
- ۵۷- فعل اول ماضی بعید فعل دوم ماضی استمراری
اگر تو هم آمده بودی از آن بازی لذت می‌بردی.
- ۵۸- فعل اول ماضی بعید فعل دوم ماضی بعید
اگر زودتر گفته بودید، این کار را کرده بودم.
- ۵۹- فعل اول ماضی بعید فعل دوم ماضی التزامی
خیلی ساده آمده بود تا با دو تا مرد حرفی زده باشد.
- ۶۰- فعل اول ماضی بعید فعل دوم ماضی مستمر
امیر وقتی به فرودگاه رسیده بود که هواپیما داشت پرواز می‌کرد.
- ۶۱- فعل اول ماضی بعید فعل دوم ماضی نقلی
نویسنده در مقدمه توضیح داده بود که چگونه اطلاعاتش را به دست آورده است.
- ۶۲- فعل اول ماضی بعید فعل دوم ماضی استمراری نقلی
او در اعترافاتش گفته بود که در روزهای اول ازدواج گاهی به همسرش دروغ می‌گفته است.
- ۶۳- فعل اول ماضی بعید فعل دوم ماضی بعید نقلی
سارا پیش از مرگش تعریف کرده بود که در کودکی مادرش را از دست داده بوده است.
- ۶۴- فعل اول ماضی بعید فعل دوم مضارع اخباری

- بارها به شما گفته بودم که شما موفق می شوید.
- ۶۵- فعل اول ماضی بعید فعل دوم مضارع التزامی
گانندی به این نتیجه رسیده بود که در مقابل زور پایداری بکند.
- ۶۶- فعل اول ماضی بعید فعل دوم مضارع مستمر
او خیال کرده بود که ما داریم مسخره اش می کنیم.
- ۶۷- فعل اول ماضی بعید فعل دوم امر
پدربزرگ پیش از وفاتش به فرزندان سفارش کرده بود که قدر یکدیگر را بدانند.
- ۶۸- فعل اول ماضی بعید فعل دوم غیرشخصی
ایشان فرموده بودند که نمی توان این موضوع را پذیرفت.
- ۶۹- فعل اول ماضی بعید نقلی فعل دوم ماضی نقلی
آنها چنان به ناامیدی رسیده بوده اند که بعد از آن هیچ کاری نکرده اند.
- ۷۰- فعل اول ماضی بعید نقلی فعل دوم مضارع التزامی
شاید به ذهنش هم خطور نکرده بوده که روزی به این مقام برسد.
- ۷۱- فعل اول ماضی مستمر فعل دوم ماضی استمراری
داشتم می دیدم که چطور می دویدی
- ۷۲- فعل اول ماضی مستمر فعل دوم مضارع التزامی
تو داشتی تلاش می کردی که به مقامات بالا برسی.
- ۷۳- فعل اول مضارع اخباری فعل دوم ماضی ساده
شما در تاریخ می خوانید که مسلمانان در آغاز بسیار اندک بودند.
- ۷۴- فعل اول مضارع اخباری فعل دوم ماضی نقلی
پروانه اغلب فراموش می کند که روزی کرم بوده است.
- ۷۵- فعل اول مضارع اخباری فعل دوم ماضی التزامی
آفتاب به گیاهی حرارت می دهد که سر از خاک بیرون آورده باشد.
- ۷۶- فعل اول مضارع اخباری فعل دوم ماضی مستمر
حالا محمد می گوید که من ساعت پیش داشتم چه می گفتم.
- ۷۷- فعل اول مضارع اخباری فعل دوم ماضی استمراری نقلی
با دیدن کوچه های ویران فضایی احساس می کنم که مردم هر روز از آن می گذشته اند.
- ۷۸- فعل اول مضارع اخباری فعل دوم ماضی بعید
آثار باقی مانده نشان می دهد که مردم در این مکان برای استراحت، بنایی را ساخته بودند.
- ۷۹- فعل اول مضارع اخباری فعل دوم مضارع اخباری
قرآن می فرماید که ما همه به سوی خدا بازمی گردیم.
- ۸۰- فعل اول مضارع اخباری فعل دوم مضارع مستمر
ما به چشم خود می بینیم که نسل جوان دارد به طرف رشد و آگاهی می رود.
- ۸۱- فعل اول مضارع اخباری فعل دوم مضارع التزامی
ما می رویم تا شما هم بیایید.
- ۸۲- فعل اول مضارع اخباری فعل دوم آینده

- ما یقین داریم که او خواهد آمد.
- ۸۳- فعل اول مضارع اخباری فعل دوم امر
وقتی قرآن می خوانند ساکت باشید.
- ۸۴- فعل اول مضارع اخباری فعل دوم غیرشخصی
این امکان وجود دارد که بتوان در آینده سرطان را درمان کرد.
- ۸۵- فعل اول مضارع التزامی فعل دوم ماضی ساده
پیش از آن که خورشید غروب کند، مسافران به مقصد رسیدند.
- ۸۶- فعل اول مضارع التزامی فعل دوم ماضی نقلی
اگر برای یک اشتباه هزار دلیل بیاورید، در واقع هزار و یک اشتباه مرتکب شده‌اید.
- ۸۷- فعل اول مضارع التزامی فعل دوم ماضی التزامی
باید به دانسته‌های خود عمل کنیم تا زندگی سالمی داشته باشیم.
- ۸۸- فعل اول مضارع التزامی فعل دوم مضارع اخباری
اگر تو بیایی من هم می‌آیم.
- ۸۹- فعل اول مضارع التزامی فعل دوم مضارع التزامی
درست رفتار کنیم تا فرزندان هم درست رفتار کنند.
- ۹۰- فعل اول مضارع التزامی فعل دوم آینده
در صورتی که قدر لحظه‌ها را بدانید در زندگی موفق خواهید شد.
- ۹۱- فعل اول مضارع التزامی فعل دوم امر
برای اینکه کوششتان نتیجه بدهد در کارها نظم داشته باشید.
- ۹۲- فعل اول مضارع التزامی فعل دوم غیرشخصی
گر راهزن تو باشی، صد کاروان توان زد.
- ۹۳- فعل اول مضارع مستمر فعل دوم مضارع اخباری
وقتی که دارم تلویزیون می‌بینم چشمم تار می‌بیند.
- ۹۴- فعل اول مضارع مستمر فعل دوم مضارع التزامی
کسانی که دارند می‌روند وسایلشان را نیز با خود ببرند.
- ۹۵- فعل اول مضارع مستمر فعل دوم آینده
اینگونه که شما دارید تلاش می‌کنید به موفقیت‌های بزرگی خواهید رسید.
- ۹۶- فعل اول مضارع مستمر فعل دوم امر
هنگامی که استاد دارند درس می‌دهند شما از کلاس خارج نشوید.
- ۹۷- فعل اول مضارع مستمر فعل دوم ماضی ساده
دارم می‌نویسم که آنها چقدر به مردم ستم کردند.
- ۹۸- فعل اول مضارع مستمر فعل دوم ماضی نقلی
تو داری ادعا می‌کنی که من این مقاله را زودتر نوشته‌ام.
- ۹۹- فعل اول مضارع مستمر فعل دوم غیرشخصی
واقعیات تلخ دارد به ما می‌گوید که نباید به دنیا دل بست.
- ۱۰۰- فعل اول آینده فعل دوم مضارع اخباری

- تو هم به این نتیجه خواهی رسید که من درست می گویم.
- ۱۰۱- فعل اول آینده فعل دوم مضارع التزامی
به شما خواهم گفت که چه کتابی را بخرید.
- ۱۰۲- فعل اول آینده فعل دوم آینده
ما خواهیم دید که بشر چه قلّه‌هایی را فتح خواهد کرد.
- ۱۰۳- فعل اول آینده فعل دوم امر
رئیس دستور خواهد داد که شما این طرح را اجرا کنید.
- ۱۰۴- فعل اول آینده فعل دوم ماضی نقلی
ما به این نتیجه خواهیم رسید که چه سرّی در آن کار بوده است.
- ۱۰۵- فعل اول آینده فعل دوم ماضی استمراری
در کتاب‌ها خواهند نوشت که پدران ما چگونه زندگی می کردند.
- ۱۰۶- فعل اول آینده فعل دوم ماضی استمراری نقلی
این فیلم نشان خواهد داد که رزمندگان چگونه می جنگیده‌اند.
- ۱۰۷- فعل اول امر فعل دوم ماضی ساده
فرار کنید که آنها آمدند.
- ۱۰۸- فعل اول امر فعل دوم ماضی نقلی
در نظر داشته باشید که نظر او چه تأثیری بر دیگران گذاشته است
- ۱۰۹- فعل اول امر فعل دوم ماضی التزامی
خود را بشناس تا خدا را شناخته باشی
- ۱۱۰- فعل اول امر فعل دوم ماضی استمراری
ببینید که ما در گذشته چگونه کار می کردیم.
- ۱۱۱- فعل اول امر فعل دوم ماضی مستمر
فقط همین را بدان که او داشت به زندگی خود می رسید.
- ۱۱۲- فعل اول امر فعل دوم ماضی استمراری نقلی
بنویس که ما آن زمان بیشتر از امروز به همدیگر کمک می کرده ایم.
- ۱۱۳- فعل اول امر فعل دوم مضارع اخباری
بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست.
- ۱۱۴- فعل اول امر فعل دوم مضارع التزامی
با خلوص عبادت کنید تا خداوند آن را بپذیرد.
- ۱۱۵- فعل اول امر فعل دوم مضارع مستمر
دستم را بگیر که دارم می افتم.
- ۱۱۶- فعل اول امر فعل دوم آینده
مطمئن باش که خواهد آمد.
- ۱۱۷- فعل اول امر فعل دوم غیرشخصی
راهی بزن که آهی برساز آن توان زد.
- ۱۱۸- - فعل اول امر منادا

- راز بگشا ای علی مرتضی!
- ۱۱۹- شبه جمله امید و آرزو فعل دوم ماضی ساده
کاش که من هم با شما بودم!
- ۱۲۰- شبه جمله امید و آرزو فعل دوم ماضی استمراری
کاش که من هم با شما می آمدم!
- ۱۲۱- شبه جمله امید و آرزو فعل دوم ماضی بعید
کاش که از اول به او اجازه نداده بودیم!
- ۱۲۲- شبه جمله امید و آرزو فعل دوم ماضی نقلی
ان شاء... که چنین منظوری نداشته است!
- ۱۲۳- شبه جمله امید و آرزو فعل دوم ماضی التزامی
امید که سالم رسیده باشد!
- ۱۲۴- شبه جمله امید و آرزو فعل دوم مضارع اخباری
ان شاء... که حالتان خوب می شود!
- ۱۲۵- شبه جمله امید و آرزو فعل دوم مضارع التزامی
ای کاش که بتوانم به شما کمک کنم!
- ۱۲۶- شبه جمله سپاس فعل دوم ماضی ساده
الحمد لله که همه شما موفق شدید!
- ۱۲۷- شبه جمله سپاس فعل دوم ماضی نقلی
خدا را شکر که از این خطر جان به در برده است!
- ۱۲۸- شبه جمله سپاس فعل دوم ماضی استمراری
خدا را شکر که فقط شما این را می گفتید!
- ۱۲۹- شبه جمله سپاس فعل دوم مضارع اخباری
خدا را شکر که این را درک می کنی!
- ۱۳۰- شبه جمله سپاس فعل دوم مضارع مستمر (ملموس)
الحمد لله که دارد کار می کند!
- ۱۳۱- شبه جمله تأسف و درد فعل دوم ماضی ساده
افسوس که افسانه سرایان همه خفتند! اندوه که اندوه گساران همه رفتند!
- ۱۳۲- شبه جمله تأسف و درد فعل دوم ماضی نقلی
آه از فضیلت هایی که فراموش شده اند!
- ۱۳۳- شبه جمله تأسف و درد فعل دوم ماضی استمراری
افسوس که آنها عمق فاجعه را نمی دانستند!
- ۱۳۴- شبه جمله تأسف و درد فعل دوم ماضی بعید
افسوس که شماره ات را گم کرده بودم!
- ۱۳۵- شبه جمله تأسف و درد فعل دوم مضارع اخباری
حیف که کسی قدر خوبی ها را نمی داند!
- ۱۳۶- شبه جمله تأسف و درد فعل دوم مضارع مستمر

- حیف که دارید از کنار ما می روید!
- ۱۳۷- شبه جمله تأسف و درد فعل دوم مضارع التزامی هیهات اگر کسی این را بفهمد!
- ۱۳۸- شبه جمله تحذیر و تنبیه فعل دوم ماضی التزامی مبادا که شما حرفی زده باشید.
- ۱۳۹- شبه جمله تحذیر و تنبیه فعل دوم مضارع اخباری امان از زبان هایی که غیبت می کنند.
- ۱۴۰- شبه جمله تحذیر و تنبیه فعل دوم مضارع التزامی مبادا که این حرف را فراموش نکنی.
- ۱۴۱- شبه جمله تحذیر و تنبیه فعل دوم مضارع مستمر (ملموس) وای به حال شمایی که دارید شلوغ می کنید!
- ۱۴۲- شبه جمله امر فعل دوم ماضی ساده یالاً (یا الله) که دیر شد!
- ۱۴۳- شبه جمله امر فعل دوم مضارع اخباری بسم!... اگر حریف مایی
- ۱۴۴- شبه جمله امر فعل دوم مضارع مستمر زودتر که دارد دیر می شود!
- ۱۴۵- شبه جمله ایجاب و تصدیق فعل دوم ماضی ساده البته که قبول کردم!
- ۱۴۶- شبه جمله ایجاب و تصدیق فعل دوم ماضی استمراری ای والله که خوب شعر می خواندی!
- ۱۴۷- شبه جمله ایجاب و تصدیق فعل دوم ماضی مستمر ای والله که خوب داشتی می دیدی!
- ۱۴۸- شبه جمله ایجاب و تصدیق فعل دوم مضارع اخباری بله که می آیم.
- ۱۴۹- شبه جمله ایجاب و تصدیق فعل دوم مضارع التزامی البته که باید امتحان بدهید!
- ۱۵۰- شبه جمله ایجاب و تصدیق فعل دوم غیرشخصی البته که باید صبور بود!
- ۱۵۱- شبه جمله مخالفت و انکار فعل دوم ماضی التزامی حاشا و کلا که او چنین کاری کرده باشد!
- ۱۵۲- شبه جمله مخالفت و انکار فعل دوم مضارع التزامی استغفرالله اگر من چنین سخنی بگویم!
- ۱۵۳- شبه جمله شادی فعل دوم ماضی ساده خوشا روزی که با هم دوست بودیم!
- ۱۵۴- شبه جمله شادی فعل دوم ماضی استمراری

- خوشا روزهایی که با بچه های کوچه بازی می کردیم!
- ۱۵۵- شبه جمله شادی فعل دوم مضارع اخباری
خوشا به حال کسانی که با حوصله تصمیم می گیرند!
- ۱۵۶- شبه جمله شادی فعل دوم مضارع مستمر
خوشا آنان که اکنون دارند طواف می کنند!
- ۱۵۷- شبه جمله شادی فعل دوم مضارع التزامی
ای خوش آن روز که پرواز کنم تا بر دوست!
- ۱۵۸- شبه جمله شگفتی فعل دوم ماضی ساده
شگفتا از تویی که خود را به خواب زدی!
- ۱۵۹- شبه جمله شگفتی فعل دوم ماضی نقلی
شگفتا از مردمی که گذشته خود را فراموش کرده اند!
- ۱۶۰- شبه جمله شگفتی فعل دوم ماضی استمراری
عجب از شمایی که اینقدر اصرار می کردید!
- ۱۶۱- شبه جمله شگفتی فعل دوم مضارع اخباری
عجب از مردمی که قانون را رعایت نمی کنند!
- ۱۶۲- شبه جمله شگفتی فعل دوم مضارع مستمر
چه عجب از تو که داری فیلم می بینی!
- ۱۶۳- شبه جمله شگفتی فعل دوم مضارع التزامی
یا للعجب از من اگر چنین بگویم!
- ۱۶۴- شبه جمله سرزنش و نفرین فعل دوم ماضی ساده
مرگ بر ظالمانی که به مردم رحم نکردند!
- ۱۶۵- شبه جمله سرزنش و نفرین فعل دوم ماضی نقلی
تف بر کسی که چنین دروغی گفته است!
- ۱۶۶- شبه جمله سرزنش و نفرین فعل دوم مضارع اخباری
أف بر کسی که پدر و مادرش را آزار می دهد!
- ۱۶۷- شبه جمله سرزنش و نفرین فعل دوم مضارع التزامی
نفرین بر کسی که اینجا آشغال بریزد!
- ۱۶۸- شبه جمله تحسین و تشویق فعل دوم ماضی ساده
آفرین بر شمایی که موفق شدید!
- ۱۶۹- شبه جمله تحسین و تشویق فعل دوم ماضی استمراری
احسنت به شمایی که خوب خدمت می کردید!
- ۱۷۰- شبه جمله تحسین و تشویق فعل دوم ماضی نقلی
ماشاءالله به مردمی که اینجا جمع شده اند!
- ۱۷۱- شبه جمله تحسین و تشویق فعل دوم ماضی مستمر
بارک الله به آن جوانی که داشت به مردم کمک می کرد!
- ۱۷۲- شبه جمله تحسین و تشویق فعل دوم مضارع اخباری

- آفرین بر کسانی که قدر وقت خود را می دانند!
- ۱۷۳- شبه جمله تحسین و تشویق فعل دوم مضارع مستمر
به به به شما که دارید تلاش می کنید!
- ۱۷۴- شبه جمله تحسین و تشویق فعل دوم مضارع التزامی
درود بر کسی که اینجا را آباد کند!
- ۱۷۵- منادا فعل دوم ماضی ساده
آقا! دیروز کلاس تشکیل شد؟
- ۱۷۶- منادا فعل دوم ماضی نقلی
ای دل چه اندیشیده ای در عذر آن تقصیرها؟
- ۱۷۷- منادا فعل دوم ماضی بعید
مجتبی! کجا رفته بودی؟
- ۱۷۸- منادا فعل دوم ماضی استمراری
مادر جان! در کودکی چه قصه هایی برایم می خواندی؟
- ۱۷۹- منادا فعل دوم ماضی مستمر
جواد! داشتی چه می دیدی؟
- ۱۸۰- منادا فعل دوم مضارع اخباری
پدر جان! اینجا کجاست؟
- ۱۸۱- منادا فعل دوم مضارع مستمر
محمود! تو داری نقاشی می کنی؟
- ۱۸۲- منادا فعل دوم مضارع التزامی
مردم! من به شما چه بگویم؟
- ۱۸۳- منادا فعل دوم فعل امر
ای مؤمنان! بر پیامبر درود بفرستید
- ۱۸۴- فعل غیر شخصی فعل غیر شخصی
می بایست سخت تلاش کرد تا به قله های پیشرفت رسید.
- ۱۸۵- فعل غیر شخصی فعل دوم مضارع اخباری
این پیشنهاد که خانه ها را باید ضد زلزله ساخت، بسیار خردمندانه است.
- ۱۸۶- فعل غیر شخصی فعل دوم مضارع مستمر
باید صادقانه گفت که ما داریم راه را گم می کنیم.
- ۱۸۷- فعل غیر شخصی فعل دوم مضارع التزامی
باید طرحی نو در انداخت تا از عهده زندگی امروز برآییم.
- ۱۸۸- فعل غیر شخصی فعل دوم ماضی نقلی
مگر می توان دل کند از کسی که عمری با تو سپری کرده است.
- ۱۸۹- فعل غیر شخصی فعل دوم ماضی استمراری
نمی شود بیان کرد آنچه را او به تصویر می کشید.
- ۱۹۰- فعل غیر شخصی فعل دوم ماضی استمراری نقلی

باید پی برد که او تا کجا قضیه را دنبال می کرده است.

۱۹۱- فعل غیرشخصی فعل دوم ماضی مستمر نقلی
نمی توان ثابت کرد که او در آن لحظه داشته چه کار می کرده است.

۱۹۲- فعل غیرشخصی فعل دوم آینده
همان سان که با ماهیچه ای منقبض نمی توان شنا کرد، با ذهن محتاط و محافظه کار نیز نوشتن دشوار خواهد بود.

۱۹۳- فعل غیرشخصی منادا
غمناک نباید بود از طعن حسود ای دل!

همان گونه که می بینیم ساختارهای گوناگونی برای جمله های مرکب وجود دارد. برخی ساختارهای ممکن و مشابه دیگر را هم می توان به این آمار افزود اما آنها کاربردی نیستند. کوشیده ایم در این تحقیق فقط ساختارهای کاربردی را بیاوریم؛ گرچه کاربرد همه این الگوها نیز یکسان نیست؛ برخی کاربرد کمتر و تعداد بسیاری از این الگوها کاربرد فراوان دارند. همچنین می توان گروهی از این ساختارها را وارونه کرد؛ یعنی با جابه جایی فعل اول و دوم الگوی دیگری ساخت که البته ساختاری جدید نخواهد بود و ما نیز آنها را در این مقاله نیاورده ایم.

از مجموع فعلهای به کاررفته در الگوها، فعل ماضی بیشترین کاربرد را دارد؛ به این صورت که در ۳۸ الگو در دو طرف جمله فعل ماضی است. در ۹۳ الگو نیز یک طرف آن فعل ماضی و طرف دیگر فعلی دیگر است. این آمار نشان می دهد که در همه جمله ها این فعل الزاماً مربوط به زمان گذشته نیست بلکه در بسیاری از آنها کاربرد ماضی برای بیان امری در حال یا آینده (مثلاً الگوی شماره ۱۱) یا برای اتفاق تازه و ادامه دار است. شماره های ۵۲ تا ۵۵ این مطلب را نشان می دهد. با استفاده از همین امر می توان گفت که تعریف این فعل به ماضی، یک اصطلاح و قرارداد رایج و صوری دستوری و البته ناظر به وجه غالب دلالت این فعل است نه به معنی مطلق گذشته. بنابراین معنای این فعلها بیش از ساختارشان در جمله اهمیت دارد. پس از ماضی، فعل مضارع کاربرد فراوان دارد. در ۷ مورد از الگوها در هر دو سو فعل مضارع و در ۷۶ الگو در یک سوی جمله ها مضارع است. با توجه به اینکه معمولاً فعل مضارع را برای گذشته به کار نمی بریم و از سویی برخی از ماضی ها نیز برای حال (محقق الوقوع) به کارگرفته می شوند می توان نتیجه گرفت که در زبان، بیشتر امور را به شکل جاری و در زمان حال، بیان یا روایت می کنیم. بسیاری از شبه جمله ها و نیز فعل امر هم این موضوع را تقویت می کنند.

کاربرد فعل آینده بسیار کم است؛ به گونه ای که در یک الگو (شماره ۱۰۲) دو سوی جمله و در ۹ الگو یک سوی جمله ها فعل آینده است. به نظر می رسد که این کمی کاربرد دو علت دارد: یکی نحوه ساخت فعل آینده که بیشتر در زبان ادبی و رسمی-اداری کاربرد دارد و دیگر اینکه ما معمولاً امور مربوط به آینده را هم با فعل مضارع بیان می کنیم.

فعل امر نیز کم کاربرد است و این هم به سبب آن است که معمولاً این فعل برای دستور دادن به کار می رود مگر اینکه مقصودی بلاغی در نظر باشد. همچنین برخی از «امرها» را غیر مستقیم و بویژه با فعل مضارع التزامی بیان می کنیم.

بسیاری از جمله های مرکب با کمک شبه جمله ها ساخته می شود. در ۶۵ الگو، یک سوی جمله مرکب، شبه جمله است و البته نمی تواند در دو سو شبه جمله باشد. به نظر می رسد که شبه جمله ها بیشتر در زبان محاوره و برای بیان و ابراز عواطف به کار می روند. این آمار نشان می دهد که زبان ما متأثر از روایات مردم ما، زبانی عاطفی است. همچنین شبه جمله ها بیشتر به زمان حال و فعل مضارع تأویل و تفسیر می شوند یا معنی امری دارند و اگر بخواهیم که حتماً بر گذشته دلالت کنند در جمله مرکب به کار می بریم. باید توجه کرد که شبه جمله را با قید اشتباه نگیریم. متأسفانه در دستورهای زبان تفاوت و تمایز این دو مقوله بیان نشده است. قید، همراه و وابسته جمله است و به تنهایی نمی آید اما شبه جمله خود به تنهایی می آید و جای یک جمله است. پس اگر قید را حذف کنیم ساختار جمله آسیب نمی بیند اما با حذف شبه جمله یا هیچ جمله و کلام دیگری- در جمله ساده- نداریم یا

معنا ناقص می شود. قید را نمی توان با حرف ربط به بخشی از جمله وصل یا وابسته کرد ولی شبه جمله را می توان؛ چنانکه در الگوها می بینیم. برخی از کلمه ها نیز همیشه صوت یا شبه جمله هستند و نمی توانند قید باشند؛ مانند هان، زینهار و مناداها. فعلهای غیر شخصی هم در ساخت جمله های مرکب، کاربردی در خور توجه دارند. در ۲۰ الگو، از این افعال استفاده شده که به نظر می رسد این الگوها بیشتر کاربردی کلاسیک یا ادبی دارند و هنگامی به کار می روند که بخواهیم کنشگر آن را به گونه نامشخص نشان دهیم یا ضرورت و امکان عملی را برسانیم. همچنین برخی از شبه جمله ها مانند افسوس و درد و مناداها و نیز ساخت آینده بیشتر جمله هایی ادبی می سازند.

در ۹ الگو در بین دو سوی جمله، همگونی (تجانس) کامل برقرار است (شماره های ۱، ۱۵، ۲۹، ۴۶، ۵۸، ۷۹، ۸۹، ۱۰۲، ۱۸۴). اینگونه الگوها روان ترین جمله ها هستند. اما در الگوهایی که یک سوی آن افعالی مانند ماضی التزامی، ماضی بعید و بویژه ماضی استمراری نقلی و ماضی بعید نقلی هست، «ناهمواری» وجود دارد. منظور از ناهمواری، روان نبودن جمله ها و آهنگ نامتوازن آنهاست. این الگوها کاربرد کمتری دارند. الگوی شماره های " ۶، ۷، ۱۱، ۱۸، ۲۰، ۲۸، ۳۲، ۳۵، ۳۷، ۴۴، ۴۸، ۵۱، ۵۳، ۵۸، ۶۰، ۶۱، ۶۳، ۶۹، ۹۵، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۳۸، ۱۴۷ و ۱۶۳ " را می توان در این گروه جای داد.

پس یا پیش آوردن هر یک از جمله وارها تابع اهداف و اغراض بلاغی، اقتضای حال و اهمیت کلام است و ارزش بلاغی جمله های مرکب، متفاوت و در حالت شناوری و نوسان قرار دارد.

شمار فراوان الگوی جمله های مرکب را می توان تأکیدی بر ترکیبی بودن زبان فارسی دانست که این ترکیبی بودن، هم در حوزه واژگان است و هم در حوزه جمله ها.

آنچه تا اینجا گفتیم درباره جمله های مرکبی است که با دو جمله وار ساخته شده اند؛ اما در زبان فارسی جمله های مرکبی وجود دارد که با سه و چهار جمله وار و گاهی بیشتر ساخته شده اند. الگوی آن جمله ها طبعاً متفاوت و شناورتر است. البته هر چه تعداد جمله وارها بیشتر باشد، پیچیدگی جمله ها بیشتر می شود و چون اطناب ایجاد می کند، خستگی و بریدن و دور شدن از پیام اصلی بیشتر محسوس می شود. نمونه هایی از چنین جمله هایی را در پی می آوریم:

- آیا شاهد و گواهی داری که معلوم کند رفیقت آن سگها را برده است؟
- اگر می خواهی که به شهر بروی، الاغت را نبر.
- چه کسی به تو گفته که ببینی من چه می نویسم؟
- دلا نزد کسی بشین که او از دل خبر دارد.
- چون فکر می کردم که همه مثل خودم ساده هستند دلیلی نمی دیدم که به او بدبین باشم.
- همانطور که یادآوری کردیم، با همه تلاشهایی که در باره اسلوبهای بلاغی اعتراض در میان مباحث قرآنی انجام گرفته است، هنوز موضوعات گوناگونی مطرح است که نیاز به تحقیق و تلاش علمی و فنی دارد.

نتیجه

جمله مرکب یکی از ساختارهای بسیار فعال در زبان فارسی است. اما از گذشته برخی از دستور نویسان به اشتباه جمله های معطوف یا پیوسته را نیز مرکب شمرده اند که با معیارهایی که برای جمله مرکب برشمردیم نشان دادیم که آنها مرکب نیستند. جمله مرکب از دو یا چند جمله وار وابسته به هم تشکیل می شود و مجموعاً یک معنا و پیام را می رساند. در ساخت این گونه جمله ها انواع فعلها وجود دارد و الگوی ساختاری آنها بسیار متحرک و شناور است. هر یک از این ساختارها متناسب با هدف، کارکرد، پیام و ارزش معنایی و تنوع و تفاوت لحن خود به خدمت گرفته می شود. در مجموع، جمله های مرکب و تنوع در ساختهای دستوری آن، نشان می دهد زبان فارسی برای جمله سازی بسیار توانا و پرنفیس است. این جمله ها نشان دهنده آزادی عمل، نرمی، انعطاف پذیری، جابجایی و امکانات گسترده زبان فارسی در جمله سازی است.

منابع

۱. ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۷). دستور تاریخی زبان فارسی، چ ۷، سمت.
۲. انوری، حسن و احمدی گیوی، حسن (۱۳۸۷). دستور زبان فارسی، چ ۴، فاطمی.
۳. باطنی، محمدرضا (۱۳۸۵). توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، چ ۱۸، امیر کبیر.
۴. پهلوان نژاد، محمدرضا و حسین رسول پور (۱۳۹۱ بهار و تابستان). «جملات مرکب در زبان فارسی؛ تحلیلی بر پایه نظریه دستور نقش‌گرا و ارجاع»، مجله زبان شناخت، سال سوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، صص «۱-۲۵».
۵. حق شناس، علی محمد و دیگران (۱۳۸۷). دستور زبان فارسی، (ویژه دوره‌های کاردانی و کارشناسی آموزش زبان و ادبیات فارسی)، چ ۱، مدرسه.
۶. خانلری، پرویز ناتل (۱۳۸۲). دستور زبان فارسی، چ ۱۹، توس.
۷. خیامپور، عبدالرسول (۱۳۷۵). دستور زبان فارسی، چ ۱۰، کتاب‌فروشی تهران.
۸. زبان دستور، چهل و چهار مقاله درباره دستور جدید (۱۳۸۳). به کوشش غلامرضا عمرانی، لوح زرین.
۹. شریعت، محمدجواد (۱۳۷۵). دستور زبان فارسی، چ ۷، اساطیر.
۱۰. غلامعلی‌زاده، خسرو (۱۳۸۶). ساخت زبان فارسی، چ ۵، احیاء کتاب.
۱۱. فرشیدورد، خسرو (۱۳۷۵). جمله و تحول آن در زبان فارسی، چ ۱، امیرکبیر.
۱۲. _____ (۱۳۸۲). دستور مفصل امروز، چ ۱، سخن.
۱۳. لازار، ژیلبر (۱۳۸۴). دستور زبان فارسی معاصر، ترجمه مهستی بحرینی، چ ۱، هرمس.
۱۴. ماهوتیان، شهرزاد (۱۳۸۳). دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی، ترجمه مهدی سمائی، تهران: مرکز.
۱۵. مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۷۹). دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری، ویرایش دوم، دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۶. _____ (۱۳۸۶). توصیف و آموزش زبان فارسی، چ ۳، دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۷. _____ (۱۳۸۷). دستور زبان فارسی، واژگان و پیوندهای ساختی، چ ۳، تهران: سمت.
۱۸. مقرّبی، مصطفی (۱۳۷۲). ترکیب در زبان فارسی، چ ۱، توس.
۱۹. نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۶). مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی، چ ۵، نیلوفر.
۲۰. وثوقی، حسین (بهار ۱۳۶۳). «جمله مرکب و حذف معادله‌ها در زبان فارسی»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز: صص «۱۷۱-۱۸۸».
۲۱. وحیدیان کامیار (۱۳۸۶). دستور زبان فارسی (۱)، با همکاری غلامرضا عمرانی، چ ۱۰، سمت.
۲۲. وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۴ بهار). «قواعد گشتار جمله‌های مرکب ساده»، فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، شماره ۵، صص «۳۷-۴۵».